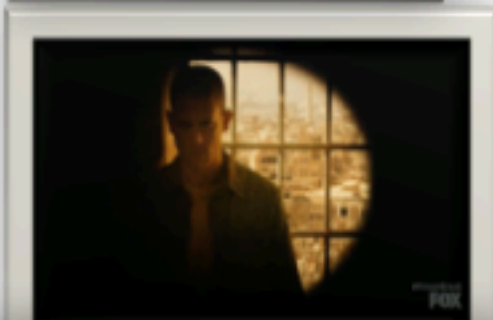


لغات و اصطلاحات سریال

S05_E01 فرار از زندان



I didn't kill that man Michael.

من اونو نکشتم مایکل.

The evidence says you did.

شواهد میگن تو این کارو کردی.

I was set up.

واسم پایوش درست کردن.

Swear to me.

قسم بخور (به جون من)

put down your weapon.

سلاحتو بزار زمین.

Incumbent

لازم

I find it incumbent that you see the inside of a prison cell.

من لازم میدونم که تو سلول زندان رو ببینی (بری زندان).

I'm looking for someone, guy named Lincoln Burrows.

دنبال یه نفر میگردم ، شخصی به اسم لینکلن باروز.

Anyhow

در هر صورت – هرطور شده

Why you want to see Burrows so bad anyhow?

چرا تو هرطور شده اونو میخوایی ببینی؟

I'm getting you out of here.

من از اینجا میبرمت بیرون.

Impossible

غیرممکن

design

طراحی کردن – طرح کردن – نقشه – طرح

now, it's all about timing.

حالا ، همه چیز درمورد زمانه.

When do we get started?

کی شروع میکنیم؟

I need your help.

به کمکت نیاز دارم.

You are asking me to break the law.

ازم میخوایی قانون شکنی کنم.

I'm asking you to make a mistake.

ازت میخوام که مرتکب اشتباه بشی.

Forget to lock up.

فراموش کن قفلش کنی.

Wi did it, Mike.

ما انجامش دادیم ، مایک. (موفق شدیم)

I have no regrets.

اصلا پشیمون نیستم.

If you are watching this, that means you are safe.

اگه دارین اینو نگاه میکنین معنییش اینه که در امان هستیند.

I wish I could be there with you.

آرزو میکنم بتونم اونجا پیشتون باشم.

Bus as you know now, I wouldn't have had much time.

ولی همونطور که الان میدونید، زمان زیادی ندارم.

I made my choice.

من انتخاب خودمو کردم.

I don't regret it.

اصلا پشیمون نیستم.

We are free now.

حالا ما آزادیم.

Freedom has a price.

آزادی یه بها و قیمتی داره.

I died seven years ago.

من هفت سال پیش مردم.

Left behind a brother, a wife and a son.

برادرم ، زنم و پسرم رو ترک کردم.

They are there with you.

اونا در اینجا و با شما هستن.

Reaching out trying to tell you something.

سعی میکنن باهاتون ارتباط برقرار کنن. یه چیزی بهتون بگن.

Because not all deaths are the same

چون همه مرده ها مثل هم نیستن.

Some are real.

Some are a story.

بعضی واقعی هستن

بعضی یه داستان.

Question is do you believe the story?

سوال اینه که به داستان اعتقاد داری؟

still tight as scales on a snake.

هنوز تنگه مثل پوست مار.

Scale

پوسته - مقیاس - اندازه - گام

must have friends in high places.

باید دوستایی تو بالا دست داشته باشی.

Citizen

شهروند

pack of gum

بسته آدامس

how about you keep that?

چطوره اونو نگه داری؟

whatever you bring in, you bring out.

هرچی بیاری داخل، (با خودت) همونو میبری بیرون.

Correspondence

مرسوله

something really wrong with the world when I'm receiving
dozens of letters a week for guys like you.

چیزی که واقعا دنیا رو نگران میکنه وقتیه که من
توی یک هفته ده ها نامه برای افرادی مثل تو دریافت میکنم.

How about you step out and pay us

The hundred grand you owe us?

نظرت چیه بیایی بیرون و اون صدتایی رو که بدهکاری رو پرداخت کنی؟

owe

مدیون - بدهکار

take that as a no.

بعنوان یه نه تعبیرش کن.

Big tough guy

مرد گنده

tough

سخت - خشن - محکم

guy

مرد - شخص - یارو

debt

بدهی

we're gonna find you, you know.

خودت میدونی که پیداات میکنیم.

All huffin' and puffin.

همیشه در حال نفس نفس زدن
(یعنی همیشه درگیر یه داستانیه)

don't you look at me like I'm trash.

جوری نگام نکن که انگار آشغالم.

Doesn't appear to be the same with you.

به نظر نمیاد که من مثل تو باشم.

Look at you.

به خودت نگاه کن.

Crack

شکاف – ترکانیدن – ترکیدن

skull

جمجمه

fate

سرنوشت – تقدیر

despite

با وجود – با اینکه – علیرغم

mutual

دوجانبه – متقابل

contempt

اهانت – تحقیر

have a look-see.

بهش یه نگاهی بکن.

Where would you get this?

اینو از کجا گرفتی؟

received it on release earlier this week.

تو این هفته بعد از آزاد شدن دریافتش کردم.

If you are playing me, I'll kill you.

اگه بخوای بازی من بدی، میکشمت.

Take a look at that postmark on that.

یه نگاه به مهر پستی روش بنداز.

Forge

جعل - ساختن

besides...

علاوه بر این

it's impossible

این غیر ممکنه.

That's what I thought.

منم همین فکر میکنم.

Why would he send it to you?

چرا اینو واسه تو فرستاده؟

again, what I thought.

باز ، منم همین فکر میکنم.

Glories

افتخارات

progeny

فرزند

hell if I know what that means.

عمر ، اگه بدونم معنیش چی میشه.

Those words are addressed to me.

اون کلمات واسه من فرستاده شده.

I'm trying to work with you here.
اینجا دارم سعی میکنم باهات کار کنم. (کمکت کنم)

obstinate
لجباز - کله شق

but you are what you is
and you is what you are.
ولی تو همینی که هستی.

Where you in from?
از کجا اومدی؟

there you go.
میتونی بری. (بفرمایید)

I think I was ever gonna see you again.
فکر نمیکردم هیچ وقت دوباره ببینمت.

You didn't come to the wedding.
تو به عروسی نیومدی.

I haven't been in a good place.
من تو موقعیت خوبی نبودم.

My brain, it's been a mess.
ذهنم ، آشفته بود.

I didn't want my nephew to see me like that.
نمیخواستم پسر برادرم منو اینجوری ببینه.

But now it's impossible to stay away.
ولی در حال حاضر غیر ممکنه که از شما دور بمونم.

humor.
شوخی

I know you want it to be true.
میدونم که دلت میخواد واقعی باشه.

The massive hole that leaves in your life.

شکاف بزرگی تو زندگی‌ت به وجود آورده.

So good to see you.

چقدر خوبه که میبینمت.

The dive shop.

فروشگاه غواصی.

Yeah, I've been telling him stories.

آره، من واسش داستانشو گفتم.

Mythological hero

قهرمان افسانه ای

I want you to go wash up.

برو دست و صورتتو بشور.

And then you can catch up with your uncle.

و بعد میتونی بیایی پیش عموت.

He hasn't just mythologized you.

تو تنها الگوی اون نیستی.

I can be pragmatic.

میتونم واقع بین باشم.

Michael was sick.

مایکل بیمار بود.

How do you explain that?

چجوری میتونی اینو توضیح بدی؟

you got to consider the source.

باید منبعش رو هم در نظر بگیری.

I know you want it to be true.

میدونم که دلت میخواد واقعیت داشته باشه.

How about a date tonight, model citizen?

نظرت چیه امشب یه ملاقات داشته باشیم، شهروند نمونه؟

what the hell?

این چه کوفتیه؟

prosthetic research

تحقیق پروتز

I'm just desperate to see your face.

امیدی ندارم که دوباره بتونم صورتتو ببینم.

My life's been a mess ever since you left.

از وقتی که رفتی زندگیم به هم ریخته.

Fallen back into my old ways.

دوباره تو راه قدیمیم افتادم.

Tolerate

تحمل کردن - طاقت داشتن

something you wouldn't tolerate.

چیزی که تو نمیتونستی تحمل کنی.

But I got good in me.

اما درونم هنوز خوبی هست.

It would just be nice if you were here to help me find it.

فقط خوب میشد اگه اینجا بودی و کمک میکردی پیداش کنم.

Tell me where you are.

بهم بگو کجایی.

There's only one way to find out.

تنها یه راه واسه فهمیدنش وجود داره.

The man who invited me to this mystery meeting.

مردی که منو به این ملاقات مرموز دعوت کرده.

Associating

ارتباط – معاشرت کردن

just want to know why I'm here.

فقط میخوام بدونم چرا اینجا.

I can only tell you my work.

فقط میتونم کار خودمو بهت بگم.

Targeted muscle reinnervation.

ترمیم عصب عضله

manipulate

کنترل کردن

limb

عضو – شاخه – عضو بدن

incredibly

بطور باور نکردنی

in the form of a considerable anonymous grant

در قالب یه اهدا کننده قابل توجه و ناشناس

the first recipient of my procedure is you.

اولین دریافت کننده این روش شما هستید.

Recipient

دریافت کننده – گیرنده

procedure

روش

Equip

مجهز کردن

I can equip you.

من میتونم مجهز کنم.

Articulate
مفصل دار کردن

prosthetic
پروتز

indistinguishable
غیر قابل تشخیص

donor
اهدا کننده

some seems to have plans for both of us.
کسی که بنظر میاد واسه هر دو مون نقشه داره.

I have reserved an operational lab for Monday.
من ترتیب یه آزمایشگاه عملیاتی رو واسه سه شنبه دادم.

Ultimately
سرانجام

what's going on?
داره چه اتفاقی میافته؟

what happened?
چی شده؟

I'm not sure.
مطمئن نیستم.

Dig up
حفر کردن

I dug up Michael's grave. He's not in it.
من قبر مایکل رو کندم. اون توش نیست.

Someone just tried to kill me.
یکی همین الان سعی کرد منو بکشه.

They've been watching.

اونا مراقبمون بودن.

It started following me.

اون شروع به تعقیبم کرد.

Pickup

وانت

intruder

مزاحم

I have an armed intruder in the house.

یه مزاحم مسلح تو خونمه.

I need you to send people right away.

نیاز دارم سریعاً کسی رو بفرستین اینجا.

What's going on?

چی شده؟

it's just me. There's no one else in the house.

فقط منم. کسی دیگه ای تو خونه نیست.

What do you want?

چی میخوایی؟

tub

وان حمام

who's here ? what do they want?

کی اینجاست؟ اونا چی میخوان؟

if anyone comes through that door, you don't move, okay?

اگه از اون در کسی اومد از جات تکون نخور باشه؟

I will put this through them, and you will not be harmed.

من میخوام اینو بهشون فرو کنم و بعدش دیگه تو اذیت نمیشی.

You understand?

متوجه شدی؟

go get every towel you can find.

برو هر چقدر دستمال که پیدا میکنی بیار.

Right now.

همین الان.

Artery

شاهرگ

stay with me.

با من بمون.

I want you to look at me, all right?

ازت میخوام که منو نگاه کنی، باشه؟

don't close your eyes and don't go to sleep.

چشمتو نبند و نخواب.

I'm gonna need you to stay with me.

من نیاز دارم که تو باهام بمونی.

I need an ambulance.

به یه آمبولانس نیاز دارم.

How is he?

حالش چطوره؟

they're trying to stabilize him.

دارن سعی میکنن به حالت تعادل درش بیارن

and him?

و اون؟

how you doing, Mikey?

چطوری میکی؟

something's happening, isn't it?

یه اتفاقی داره میافته، درسته؟

it has something to do with my real father, doesn't it?

این موضوع یه ربطی به پدر من داره نه؟

why do you say that?

چرا این حرفو میزنی؟

because I can see it in her face.

چون میتونم اینو از چهرش بخونم.

I'm gonna need to talk to your uncle.

من باید با عموت صحبت کنم.

I'm gonna be right over there. Where you can see me. Okay?

من میرم اونجا. که بتونی منو ببینی، باشه؟

what's going on?

چی شده؟

we have awoken something.

ما یه چیزی رو بیدار کردیم.

Something people are trying to hide about Michael.

یه چیزی درباره ی مایکل که دارن سعی میکنن مخفی کنن.

Then why did he leave?

پس اون چرا رفت؟

if he's been out there for all of these years.

اگه این همه سال اون بیرون بوده.

Why did he abandon his own son?

چرا پسرشو ترک کرده؟

you know I'm right.

میدونی که حق با منه.

It wouldn't be like this if something wasn't happening.

اگه یه اتفاقی در حال رخ دادن نبود، اوضاع اینطوری نمیشد.

Let's fight back.

بیا باهاشون بجنگیم.

I don't know who we're fighting.

من نمیدونم با کی قراره بجنگیم.

Look, leaving them is exactly the wrong thing for me to do right now.

ببین ، ترک کردن اونا دقیقا کاریه که انجامش برای من اشتباهه.

Ma'am. He's ready to see you.

خانم ، ایشون آماده ی ملاقات هستن.

One second.

یه لحظه.

I'll do it.

من انجامش میدم.

I'll go to Yemen.

من میرم به یمن.

You don't know a damn thing about Yemen.

تو هیچ چیزی راجع به یمن نمیدونی.

I'll find someone who does.

یکیو پیدا میکنم که بدونه.

Envy

حسد – حسادت

I envy you.

بهت حسودیم میشه.

You changed your life around.

تو زندگیتو عوض کردی.

A man gets tired of living a profligate life.

آدم از زندگی بی بند و باری خسته میشه.

Profligate

فاسد - بی بند و باری - هرزه

not that madness that you see on the news.

نه اون آشوبی که توی اخبار میبینی.

Madness

دیوانگی

war within

جنگ درون

the spiritual struggle to clean up your act.

یک مبارزه ی معنوی برای پاک کردن اعمالت.

Finding and serving.

پیدا کردن خدا و خدمت بهش.

We're small here but wo do what we can.

ما اینجا به چشم نمایم ولی هرکاری از دستمون بر بیاد میکنیم.

Working on anti-radicalization campaigns here at home.

روی کمپین های ضد افراط گرایی همینجا تو خونه کار میکنیم.

Like I said, the struggle.

همونطور که گفتم، مبارزه

that's why I'm here.

من برای همین اینجا.

If I needed to get to Yemen,

That something you could help me with?

اگه من بخوام برم به یمن.

تو میتونی بهم کمک کنی؟

I thought he was dead.

من فکر میکردم اون مرده.

Political prisoners.

زندانیای سیاسی.

Do you know what it would take to stage a death?

میدونی صحنه سازی کردن مرگ یه نفر چه معنی داره؟

sightlines seem pretty consistent.

نماش به نظر خیلی استوار میاد.

Consistent

استوار

then that's the building my brother is in.

پس اون ساختمونیه که برادرم توشه.

Easiest way to find out is to call the prison and ask.

آسون ترین راه فهمیدنش اینه که زنگ بزنیم به زندان و بپرسیم.

Send it to the prison.

بفرستش برای زندان.

Maybe he's under a different name.

شاید تحت یه اسم دیگه باشه.

I got to say something, man.

من باید یه چیزی بگم، مرد.

You got to slow your roll.

باید آرام باشی.

Yemen is in a civil war.

یمن درگیر جنگ داخلیه.

They are really close to collapse.

اونا خیلی به سقوط نزدیکن.

Collapse

فرو ریختن - متلاشی شدن - سقوط کردن

apparently

ظاهرا

it's not him.

اون نیست.

Someone's erasing him from history.

یه نفر داره اونو از تاریخ پاک میکنه.

Where are you going?

داری کجا میری؟

hotel, to grab my stuff.

هتل، تا وسایلمو بردارم.

Grab

گرفتن - قاپیدن - ربودن - تصرف کردن

stuff

چیز - ماده - کالا - جنس - وسایل

you won't make it three days.

توی سه روز موفق نمیشی.

We need to go through the proper channels.

ما باید از راه درستش وارد بشیم.

Proper

شایسته - مناسب

someone is erasing his existence.

یکی داره وجود اونو پاک میکنه.

Who has that ability?

کی همچین قابلیتی داره؟

what if he's not caught in the middle?

اگه وسطش گیر نیافتاده باشه چی؟

you saying he faked his own death?

داری میگی اون مرگ خودشو صحنه سازی کرده؟

I'm saying you need to look at all of the possibilities.

دارم میگم که باید همه ی احتمالات رو در نظر بگیری.

Before you walk into a war zone.

قبل از این که وارد یه میدون جنگ بشی.

I wasn't sure you'd come.

مطمئن نبودم که میایی.

Sometimes a man has to surrender to fate.

بعضی وقتا آدما باید تسلیم سرنوشت بشن.

Surrender

واگذار کردن – تسلیم شدن – سپردن – رها کردن

fate

سرنوشت – تقدیر

we will need to put you under.

ما باید تو رو بیهوش کنیم.

Anesthetic

بیهوش کننده

it's a mandatory for a procedure like this.

برای همچین فرایندی این کار لازمه.

Mandatory

اجباری

procedure

رویه – فرایند – طرز عمل

I've done it before.

من قبلا این کار رو کردم.

Mysterious

اسرار آمیز – مرموز – مبهم.

Why you doing this to me?

چرا داری اینکارو باهام میکنی؟

what the hell was that for?

اون دیگه برای چی بود؟

what the hell are you doing here?

تو اینجا چه غلطی میکنی؟

he tell you to talk me out of it?

بہت گفته کہ بیایی منصرف کنی؟

I'm coming with you.

من باہات میام.

You're not coming.

نہ نمیایی.

If he's in trouble, I want to help.

اگہ تو دردسر افتادہ باشہ، میخوام کمک کنم.

Don't you have a job or something?

تو کار و زندگی نداری؟

yeah, I've been riding her for a while.

ارہ ، یہ چند وقتیہ اینطور یہ اوضاع.

Cargo

بارکشی - بار

wherever the boos tells us.

ہر جایی کہ رئیس بہمون بگہ.

I suggest you get back.

توصیہ میکنم برگردی.

Cause you are not coming.

چون تو باہام نمیایی.

Middle East

خاورمیانہ

Raconteur

داستان سرا

I don't think that means what you think it means.

فکر نکنم معنیش چیزی باشه که تو فکر میکنی.

Don't speak to me like I don't know French.

یه جوری باهام صحبت نکن که انگار فرانسوی بلد نیستم.

You go over there, you'll be dead inside of one day.

اگه بری اونجا، یه روزه میمیری.

People with legal connections

آدمایی با ارتباطات قانونی

that can get us inside of that prison.

که میتونن ما رو ببرن به داخل اون زندان.

I managed to pick up a little Arabic.

من تونستم یکمی عربی یاد بگیرم.

While I was serving in Iraq.

وقتی که توی عراق خدمت میکردم.

There's gonna be a time when I'm gonna need you.

یه زمانی میرسه که من بهت نیاز پیدا میکنم.

You better find him.

بهتره پیداش کنی.

And you better call me when you do.

و بهتره وقتی انجامش دادی بهم زنگ بزنی.

You really got contacts?

تو واقعا رابط داری؟

utterly

کاملا – مطلقا

irrevocably

قطعی – به طور جبران نشدنی

we want him utterly and irrevocably gone from this world.
ما میخواییم که اون کاملاً و به طور جبران نشدنی از این جهان پاک بشه.

We are the only ones coming into the place.
ما تنها کسانی هستیم که میاییم به این مکان.

Yeah, the country's falling apart.
اره ، کشور داره از هم میپاشه.

Everyone wants out.
همه میخوان برن بیرون.

Welcome to the civil war.
به جنگ داخلی خوش اومدین.

Ms. Sheba sent me to collect you.
خانم شیبیا منو فرستاده دنبال شما

Yemen very dangerous.
یمن خیلی خطرناکه.

You never know who's enemies, who's friends.
شما هیچوقت نمیدونید که کی شدمننه و کی دوست.

ISIL is starting to attack the city.
حکومت داعش داره به شهر حمله میکنه.

They have been building up out in the desert for months.
ماه هاست که دارن توی بیابون تدارکات میبینن.

If they take the city, they will kill all the secularists.
اگه اونا شهر رو بگیرن ، اونا همه ی کسانی که جدایی دین از سیاست رو میخوان رو خواهند کشت.

Install

منصوب کردن – اجرا کردن

install Sharia law.

قانون شریعت رو اجرا میکنن.

You don't seem worried.
بنظر نگران نمیایی.

This isn't right.

این درست نیست.

Hey, wait a minute.

هی ، یه لحظه صبر کن.

This isn't the address.

این آدرس درست نیست.

You take us straight to the address right now.

همین الان ما رو مستقیم میبری به آدرس.

We don't want any trouble.

ما دنبال دردسر نیستیم.

What is it?

(اون) چیه؟

someone set us up.

یکی برامون پاپوش دوخته.

Come quickly or we'll all be dead.

سریع بیاین وگرنه هممون میمیریم.

How did you find us?

چطوری پیدامون کردی؟

a contact at the airport saw you get into the wrong taxi.

یکی از افراد توی فرودگاه دیده که سوار تاکسی اشتباهی شدید.

You're lucky I found you.

خوش اشنسید که پیداتون کردم.

This is very radicalized neighborhood.

مردم این محله خیلی افراطین

throw your phones out the window.

گوشی هاتونو از پنجره بندازید بیرون.

I don't want anyone tracking us.

نمیخوام کسی ردمونو بزنه.

You have been made whole, Mr. Bagwell.

شما کامل شدید آقای بگول

you are free to go.

شما آزادید که برید.

Not till you tell me what you have put in me.

نه تا وقتی که بهم بگی چی توی من کار گذاشتی.

You feel an unease, do you?

احساس ناراحتی میکنید ، درسته؟

unease

ناراحتی - مضطرب - پشیمان

nobody

هیچکس

nobody's behind this.

هیچ کس پشت این قضیه نیست.

What does that mean?

این یعنی چی؟

benefactor

بانی خیر - واقف - صاحب خیر

Omar has connections in Ogygia Prison.

عمر توی زندان اوگیجیا رابط هایی داره.

He says he can arrange a visit.

میگه که میتونه یه قرار ملاقات جور کنه.

Straight trade

معامله مستقیم

I know it is not ideal

میدونم این کار ایده آل نیست.

You cannot get out of the country without a passport.

تو نمیتونی بدون پاسپورتت از کشور خارج بشی.

Don't do it.

این کارو نکن.

You will see your brother soon.

برادرتو بزودی خواهی دید.

I told myself I'd never step foot in another prison.

من به خودم قول داده بودم که دیگه پامو تو هیچ زندانی نزارم.

As long as we walk out of it.

تا وقتی که ازش بیاییم بیرون.

Omar is one of my most trusted operators.

عمر یکی از معتمدترین عامل های منه.

Listen, trust doesn't seem to mean a whole in this country.

گوش کن ، به نظر نمیاد اعتماد تو این کشور معنی خاصی داشته باشه.

Give me a second, okay?

یه لحظه بهم وقت بده ، باشه؟

I'll figure out a way to work this thing out.

یه راهی پیدا میکنم که این مشکلو حل کنم.

Thought you were on the right side of god on this.

فکر میکردم تو این قضیه طرف خدا باشی.

He's been working with ISIL.

اون با سازمان داعش کار میکرده.

And trying to take down the government.

و سعی کرده که دولت رو بر انداز کنه.

What was my father like?

پدرم چه شکلی بود؟

grab the camera.

دوربینو دربیار.

I want to prove he's alive.

میخوام ثابت کنم اون زندهست.

What do you mean, new?

منظورت از جدید چیه؟

we're gonna get you out of here.

ما تو رو میاریمت بیرون.

I don't know who you are.

نمیدونم تو کی هستی.

Guard, take me back to the cell.

نگهبان، منو ببر به سلولم.

What are you doing, damn it?

چیکار داری میکنی لعنتی؟